

سه دقیقه تا خدا

از بین بردن هراس ها... ..

و ۴۹ روش دیگر برای دیدن خداوند در زندگی تان

نویسنده

وید گرسدونیه

مترجم

سکینه خزایی

سرشناسه	Grassedonio, Wade : وید گرسدونیو،
عنوان و نام پدیدآور	سه دقیقه تا خدا : از بین بردن هراس ها ... و ۴۹ روش دیگر برای دیدن خداوند در زندگیتان / نویسنده وید گرسدونیو؛ مترجم سکینه خزایی.
مشخصات نشر	تهران : نشر انسان برتر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۱۹۲ ص.
شابک	978-600-6488-22-6
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: 3 minutes to God ...
موضوع	خدا و انسان
موضوع	داستان های کوتاه
نسخه افزود	خزایی، سکینه، ۱۳۶۲ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ م ۹ ۳۷ BV ۴۸۱۷/۴
رده بندی دیویی	۲۴۸/۴
شمار کتابشناسی ملی	۲۹۱۹۲۳۹

- سه دقیقه تا خدا
- از بین بردن هراس ها ...
- نویسنده: وید گرسدونیو
- مترجم: سکینه خزایی
- ناشر: انسان برتر
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ویراستار: عوض لطیفی
- چاپ و صحافی: امیدوار
- ناظر فنی: علی اکبر کسانلی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲
- لیتوگرافی: گلپا گرافیک
- حروفچینی و صفحه آرایی: نوین گرافیک ۶۶۴۱۲۲۲۹
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۸۸-۲۲-۶
- قیمت: ۷۰۰۰ تومان
- مرکز پخش: تصویر قلم
- تلفن: ۰۹۱۲۱۴۸۵۹۸۰ - ۶۶۴۸۹۲۵۲-۵۵

آنچه که دیگران دربارهٔ این کتاب می‌گویند:

"کتاب سه دقیقه تا خدا به خاطر سادگی‌اش فوق‌العاده است. ویدگرسدونو آمیزه‌ای از داستان‌های فکاهی و تکان دهنده را به کار می‌گیرد که زمانی که نگرش‌های عمیق دربارهٔ خدا آشکار می‌شود، در می‌یابیم که این داستان‌ها مربوط به ما نیز می‌شود. نتیجهٔ نهایی، درک بهتری از چگونگی حضور خداوند در لحظه لحظه‌ی زندگی‌ما است."

پاستور بیل کرنلیوس، بیل کرنلیوس تی وی، نویسندهٔ "من شهادت تغییر را به شما هدیه می‌کنم"

"وید یکی از بهترین داستان‌سرایانی است که تا به حال دیده‌ام. او درس‌هایی عمیق‌تر از آنچه که در تجارب هرروز زندگی یافت می‌شود، خلق کرده است. . . و هنگامی که در حال خواندن برگ برگ این کتاب هستید، روشی برای خنداندن شما دارد." پیت جانسون، مدیر بخشی از یانگ لایف (زندگی تازه)

"ویدگرسدونو یک داستان گوی حرفه‌ای است. او می‌داند که چگونه داستانی را بیان کند، موجب خنداندن شما شود، و به شما درس‌هایی را بیاموزد که خود از فراز و نشیب زندگی آموخته است. او شما را مشتاق نگه می‌دارد تا پی‌گیری کنید که در ادامهٔ ماجرا چه اتفاقی خواهد افتاد و با این کار احساسات شما را بر می‌انگیزد."

توماس ویور، کشیش کلیسای کمپونیتی

"گرسدونیو نشانه عشق- و درک- خداوند را، هم در وقایع روزانه و هم در لحظات وحشتناک می‌یابد. نگرش‌های او و همچنین این مجموعه از داستان‌ها، هدیه مقدسی هستند."

شانون ترابل، آموزگار و عکاس

"طرز داستان‌گویی خنده‌آور و آگاهانه عالی در این کتاب، حقایق عمیقی را در وقایع روزانه آشکار می‌کند. این کتاب موجب می‌شود که با صدای بلند بخندید، نکات مقدس زندگی را درک کنید، و در حیرت عشق اسرارآمیز خدا بمانید."

کری کورز، از کارمندان یانگ لایف

"داستان‌های این کتاب از روی خلوص نیت و پر از الهامات و حقایقی است که می‌توانند در زندگی روزمره به کار گرفته شوند."

نیفانی کیز، آموزگار

فهرست

۹.....	مقدمه مترجم
۱۱.....	مقدمه
۱۲.....	مار مرده در حقه رختخواب
۱۶.....	خجالت دو خرجه سوار
۲۳.....	ماسک گرفتن روی صورت
۲۸.....	لگد زدن به امواج
۳۱.....	اختراعات، بمب‌ها و زندان، آن هم من!
۳۷.....	این چیست؟
۴۱.....	نوجوانان
۴۴.....	اوه اوه!
۴۸.....	از بین بردن ترس‌ها
۵۱.....	ظاهراً کم اهمیت
۵۴.....	این‌دیانا جونز و آن مارهای نفرت‌انگیز
۵۷.....	کفش‌هایی با صدای چلپ و چلوپ
۶۰.....	ماهی خاردار و خداوند
۶۳.....	سقوط هواپیما
۶۹.....	تغییر، تغییر، تغییر
۷۱.....	فلج مغزی و ماهیگیری چه درهم ریختگی‌ای!
۷۴.....	شکست لانس آمستراک
۷۸.....	و آنگاه
۸۱.....	چه نوع شهری
۸۴.....	بالا و پایین، آه!
۸۸.....	گردش با بلو آنجلز
۹۶.....	دست پدریزگم
۱۰۰.....	جاده زندگی
۱۰۳.....	مانند یک دختر مدرسه‌ای نوجوان

- ۱۰۷..... هر آنچه که درباره زنان می دانم.
- ۱۰۸..... چهارم جولای
- ۱۱۲..... خداوند حتی از مک دونالد هم دیدن می کند
- ۱۱۵..... تلنبار کننده و بایگان
- ۱۱۹..... جمعیت اسپانیایی زبان
- ۱۲۳..... شما بزرگ هستید
- ۱۲۵..... اولین روز کاری
- ۱۲۸..... هیچ راهی نیست
- ۱۳۰..... پدر پدر گریه
- ۱۳۲..... تعقیب از نزدیک
- ۱۳۶..... هدایا
- ۱۴۲..... فرودگاه ها
- ۱۴۵..... نتوانست از فرصت بهره بگیرد
- ۱۴۹..... خوب!!
- ۱۵۳..... معنا
- ۱۵۶..... غرق شدن در وحشت
- ۱۶۰..... پیشرفت سریع بازسازی خانه
- ۱۶۳..... گرگم به هوا
- ۱۶۵..... گم شدن در دریا
- ۱۷۱..... نمایش حزن انگیز برای پیروزی
- ۱۷۳..... اطوکشی
- ۱۷۶..... نیروهای ویژه
- ۱۷۹..... من در حال مرگ هستم
- ۱۸۲..... تنها بگویید متشکرم!
- ۱۸۵..... در مشت نگه داشتن تمام پول ها

مقدمه مترجم

تا به حال درباره خداوند اندیشیده‌اید؟ به طور حتم اندیشیده‌اید. اما چگونه؟! بسیاری از ما به خصوص در بحبوحه مشکلات فکر می‌کنیم که خداوند فراموش‌مان کرده است و اصلاً به یاد ندارد که چنین بنده‌ای هم با این همه بار مشکلات دارد چه برسد به این که به یاری او بیاید. این طرز تفکر تنها باعث وخیم شدن اوضاع می‌شود چرا که احساس نکردن نیرویی پشتیبان موجب تزریق حس یاس به روح آدمی می‌شود و روحیه‌اش را بیش از پیش تضعیف می‌کند. ولی او هست، نزدیک‌تر از آنچه که فکر کنیم و تنها منتظر آن است که فرمان زندگی‌مان را به او بسپاریم و با لج بازی‌های کودکانه‌مان به کج راه نزنیم. زمان‌هایی هستند که به ناگهان همه مشکلات‌مان در عین ناباوری‌مان به صورت معجزه آسایی حل می‌شوند، همان مشکلاتی که پیش از آن فکر می‌کردیم به طور حتم زیر بار سنگینی‌شان له می‌شوریم. و اگر این کار خداوند با آن قدرت نامحدودش نباشد، پس کار چه کسی است؟! کار خودمان؟! نه، ما که از پیش آن قدر مأیوس شده بودیم که حتی قادر به انجام امور روزمره و معمولی‌مان نبودیم. اوست که پس از آزمایشی سخت به یاری‌مان می‌آید تا دیگر بار سعادت را به ما هدیه دهد. هدیه‌ای گرانبها که نگه داری آن کاری بس عظیم است. چه خوب است دقایقی از روز را به قدردانی از این نعمت و سایر نعمات بیشمار خداوندی پردازیم. چه خوب است یادمان نرود چه بوده‌ایم و چه هستیم. چه خوب است به بالاسرمان به

آسمان نگرستن و به دست‌های مان گشاده بودن به سمت او را بیاموزیم. هر آنچه را که دوست داریم با تمام وجودمان از خداوند بخواهیم و آنگاه اختیار را به او بدهیم که با توجه به مصالح مان خواسته‌مان را اجابت کند یا نه. چه بسیار زمان‌هایی که از خداوند با گریه و اشک و زاری و اصرار فراوان چیزهایی را خواسته‌ایم و بعدها دریافته‌ایم که همان چیزها بلای جان مان شده‌اند و تا آخر عمر خود را به خاطر این حماقت مان نبخشیده‌ایم. چه بسیار زمان‌هایی که از او چیزی را خواسته‌ایم و نداده است و این موجب ناامیدی مان از درگاهش شده است و بعدها دریافته‌ایم که این خود از معجزات او بوده است که دعای مان را اجابت نکرده است چرا که اگر اجابت می‌کرد فاجعه‌ای غیرقابل باور در زندگی مان پیش می‌آمده است. خداوند، خود از همه ما آگاه‌تر است فقط کافی است که تا آن جا که می‌توانیم در تلاش مان را کرده و بقیه امور را به او واگذار کنیم.

این کتاب با داستان‌هایی معمولی، حضور خداوند را در زندگی به قدری پررنگ نشان می‌دهد که تازه در می‌یابیم که در همه لحظات، او دوشادوش ما در حرکت است و هیچ گاه فراموش مان نمی‌کند حتی زمانی که ما او را فراموش می‌کنیم.

خواندن این کتاب را به خصوص برای تمام کسانی که در زندگی به یأس رسیده‌اند، توصیه می‌کنم.

مقدمه

این کتاب با یک هدف نوشته شده است: کوتاه کردن فاصله‌ی شما با خداوند و اینکه بتوانید خندان و امیدوار این فاصله را طی کنید.

خداوند در همه جا و در تمام بخش‌های زندگی ما حضور دارد. او بدون توجه به اعتقاد ما، به ما عشق می‌ورزد و برای اثبات عشق خود به ما الطاف فراوانی نصیب ما می‌کند. او پیوسته با ما در ارتباط است و با تمرین می‌توانیم بیاموزیم که چگونه به سخنانش گوش دهیم.

داستان‌های این کتاب، خاص‌ترین نیایش من است که موجب خواهد شد که درک‌تان را نسبت به وجود خداوند، آموزه‌های او و میزان عشقش به شما افزایش دهید. از خواندن این کتاب لذت ببرید!

مار مرده در رختخواب

یک بار ماری را در رختخواب مردی گذاشتم. و آن کار، چه کار بزرگی بود؟ این ماجرا مربوط به سال‌های دور می‌شود. به علاوه این داستان بسیار هم خنده دار بود. حداقل من به همراه چند مرد دیگر این گونه فکر می‌کردیم...

اجازه بدهم صحنه را برای تان توصیف کنم. این ماجرا در یک اردوگاه تابستانی در حین انجام یک مأموریت کاری به همراه همکاران در ایالت هیل، یکی از ایالت‌های تگزاس رخ داد. چندتن از ما اندکی خسته بودیم و شروع به بحث کردن در مورد این مسئله کردیم که چه اقداماتی می‌توانیم انجام دهیم که از زمان‌مان بهره بیشتری ببریم. درست در همین زمان بود که صاحب اردوگاه سر رسید تا ماری را که کشته بود، به ما نشان دهد. از آنجایی که مار سمی نبود و هیچ خطری نداشت ما صاحب اردوگاه را به سبب این کار استثنایی از روی استهزاء آنقدر تحسین کردیم که او دچار غرور شد. در همان موقع بود که جرقه کاری شیطنت‌آمیز در ذهن‌مان زده شد. از آنجایی که این گفتگوی کسل‌کننده بسیار طولانی شد، شروع به فکر کردن در مورد این مسئله کردیم که با این مار در دسترس و مرده چه کاری می‌توانیم بکنیم.

باید خاطر نشان کنم که من کسی بودم که نقشه را پیشنهاد دادم. نخستین کاری که باید می‌کردیم این بود که برای اجرای نقشه‌مان قربانی پیدا می‌کردیم. اسم چند نفر را مطرح کردیم، اما